

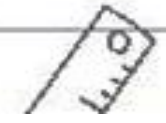
درس هفدهم

«کار و تلاش»

آموختنی‌ها

- ۱ معنا و مفهوم ابیات درس
- ۲ ترتیب واژه‌ها در جمله
- ۳ مفهوم کار و عمل در زندگی
- ۴ تبدیل نظم به نثر ساده
- ۵ آشنایی با کلمات مختلف
- ۶ آشنایی با پروین اعتصامی و عبدالرحمن جامی شاعران برجسته‌ی ایران

نسخه



کلمات مترادف

.....: خاکبان: کلمکار: صبور
.....: بیکران	سور: جشن	تیره دل: بد انیشت
.....: اعتماد	ژرف: گود، عمیق	خاکدان: دنیای خاکی، این جهان
.....: فلرغ: خور و خواب: تنی چند
.....: قادر: ستوده‌اند: اندرون

مسکین: بیچاره، بی نوا، نیازمند، تهیدست

توشه: خوراک اندک یا خوراک برای مدت معینی، آذوقه‌ی سفر

کلمات متضاد

..... ≠ پیری ≠ اسراف ≠ مسکین
..... ≠ راست‌گویی ≠ فراز ≠ عاقل
..... ≠ هشیار ≠ غافلان ≠ حاضر

کلمات هم خانواده

.....، غافل، حضور، زحمت
، ملک، قناعت
، حسود، فارغ





درس هفدهم



جعبه کلمات درس هفدهم کلمات هم معنی	
صبور - شکیبا، بردبار	زُرف - گود، عمیق
تیره دل - بداندیش	خور و خواب - خوردن و خوابیدن
خاکدان - دنیای خاکی، این جهان	ستوده اند - ستایش شده اند
تنی چند - چد تن، چند نفر	خاکیان - لهل خاک، مردم و انسانها
اندرون - درون، داخل	بیکرن - بی پایان، نامحدود
مسکین - بیچاره، بی نوا، نیازمند، تهیدست	اعتماد - اطمینان، کاری را به کسی سپردن
توشه - خوراک نقدک یا خوراک برای مدت معینی، ذوقه‌ی سفر	فارغ - راحت، آسوده
کامکار - خوشبخت	قادر - توانا، با قدرت
سور - جشن	

کلمات مخالف	
غافلان \neq آگاهان، دانایان، هوشیاران	مسکین \neq غنی
پیری \neq جوانی	عاقل \neq نادان
راست‌گویی \neq دروغ‌گویی	حاضر \neq غایب
هشیار \neq غافل	اسراف \neq صرفه‌جویی، قناعت
	فراز \neq فرود

کلمات هم‌خانواده	
مُلک، مالک، املاک	رحمت، مزاحم، زحمت
حسود، حسد، حاسد، حسادت	قناعت، قانع، ائناع
غافل، غفالت، اغفال	فارغ، فراغت
	حضور، حاضر، محضر

کار و تلاش

برای پیشرفت بیشتر و جهش در علم و دانایی، باید با تأمل درس خواند اما تلاش و پشتکار بال دیگر این پرواز است. با تلاش، تکرار و تمرین بسیار می‌توانیم به آنچه آرزو داریم، برسیم. در راه رسیدن به آرزوهایمان، ممکن است مشکلاتی پیش بیاید، ولی کوشش و تلاش آن‌ها را از سر راهمان دور می‌کند و راه را برایمان هموار می‌سازد تا به آنچه می‌خواهیم برسیم.

به راهی در سلیمان دید موری که با پای ملخ می‌کرد زوری

🔊 حضرت سلیمان در راه مورچهای دید که پای ملخی را به زور می‌کشید.

به زحمت، خویش را هر سو کشیدی وز آن بار گران، هر دم خمیدی

🔊 با زحمت زیاد خود را به هر طرف می‌کشید و هر لحظه زیر بار آن بار سنگین خم می‌شد.

ز هر گسردی، بیرون افتادی از راه ز هر بادی، پریدی چون پر گاه

🔊 با برخورد هر ذره‌ای از راهش بیرون می‌افتاد و از وزش هر بادی، مانند گاهی می‌پرید.

چنان بگرفته راه سعی در پیش که فارغ گشته از هر کس جز از خویش

🔊 آن چنان در کار خود کوشش می‌کرد که انگار به چیزی جز به کار خودش مشغول نبود.

به تندی گفت: «کای مسکین نادان! چرای فارغ از ملک سلیمان؟»

🔊 حضرت سلیمان با خشم گفت: ای بیچاره‌ی نادان! چرا از پادشاهی سلیمان بی‌خبری؟

یا زین ره به قصر پادشاهی بخور در سفره‌ی ما هر چه خواهی

🔊 از همین راه، برو به سوی قصر پادشاهی ما و هر چه می‌خواهی در سفره‌ی ما بخور.

چرا باید چنین خونابه خوردن تمام عمر خود را بار بردن

🔊 دلیلی ندارد که این طور غصه بخوری و تمام عمر خودت را باربری کنی.

ره است اینجا و مردم رهگذارند میادا بر سرت پایی گذارند

اینجا وسط راه است و مردم هم از اینجا می‌گذرند میادا یا رویت بگذارند

مکش بیبوده این بار گران را میازار از برای جسم، جان را

بیبوده این بار سنگین را به دنبال خودت مکش و به خاطر خوراک، جسمت و جنت را آزار نده.

بگفت: «از سوره کمتر کنوی یا سوره که موران راه قناعت خوش‌تر از سوره

مورچه گفت: «با مورچه در مورد جشن و مهمانی صحبت نکن؛ زیرا آن‌ها خرسندی و قناعت را از مهمانی بیشتر دوست دارد.

نیفتد با کسی ما را سر و کار که خود هم توشه داریم و هم انبار

نیاز و احتیاج ما به کسی نیست، زیرا ما مورچه‌ها، هم غذا داریم و هم انبار آذوقه.

سرا ایستد راحت‌هست زین رنج من این پای ملخ، ندهم به صد گنج»

من به امیدم که به آسایش‌های آینده دارم این رنج را می‌کشم و این پای ملخ را با صد گنج عوض نمی‌کنم.

گرت همواره باید کمالکاری ز مور آموزه رسم بردباری

اگر می‌خواهی همیشه سعادتمند و کامروا باشی، راه و رسم بردباری را از مورچه بیاموز.

سرو راهی که پایت را بینند مکن کاری که هشیاران بخندند

وارد راه‌هایی نشو که گرفتارت کنند و دست به کارهای جاهلانه‌ای زن که دانایان مسخره‌ات کنند

که تدبیر، عاقل باش و ینا ره امروز را مسپار فردا

هنگام تصمیم‌گیری، عاقلانه و با بینش تصمیم بگیر و راهی را که امروز باید بروی، به فردا نینداز.

یکوش اندر بار زندگانی که شد پیرانی پیری، جوانی

در آغاز جوانی به سعی و تلاش مشغول باش؛ زیرا سرمایگی تلاش دوران جوانی، زبور روزگار پیری است.



نیایش

این درختان اند همچون خاکیان دستها پر کرده اند از خاکدان

🎧 درختان همانند انسان هایی هستند که دستانشان را از زیر خاک به سوی آسمان بلند کرده اند.

با زبان سبز و با دست دراز ز ضمیر خاک می گویند راز

🎧 انگار با برگ های سبزشان که مانند زبان است و شاخه های دست هایشان، از اسرار درون خاک دارند سخن می گویند.

خدایا! همه ی کلرها را با نام تو آغاز و با یاد تو به پایان می رسانیم. از تو در تمام کارها یاری می خواهم. به ما آرامش، موفقیت و توفیق

خدمت به خلق را عطا کن! ای که تو بخشنده ترین و مهربان ترینی!



تفاوت «نثر» و شعر «نظم»

- ★ شعر، نوشته‌ای است موزون و دارای آهنگ، که ممکن است واژه‌ها و اجزای جمله، به ترتیب در جای خود قرار نگیرند.
- ★ نثر، نوشته‌ای است دارای نظم، که واژه‌ها و اجزای جمله به ترتیب و سر جای خود قرار دارند.
- ★ برای اینکه شعر را به راحتی معنی کنیم و اجزای جمله را تشخیص دهیم، ابتدا ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها را در مصراع یا بیت مرتب و بعد به راحتی معنی می‌کنیم.

مثال: بیا زین ره به قصر پادشاهی ← از این راه، به قصر پادشاهی بیا.



کلمات مخفف

- ★ گاهی برای زیبایی و آهنگ شعر، برخی از کلمات به صورت مخفف یا کوتاه‌شده، نوشته می‌شوند.

مثال: پادشاه ← پادشاه ره ← راه زین ← از این



اجزای جمله

به ترتیب قرار گرفتن کلمات در جمله به همراه مثال دقت کن.

- ★ جملات دو قسمتی: نهاد + فعل (خورشید درخشید).
- ★ جملات سه قسمتی: نهاد + مفعول + فعل (علی کتاب گلستان را خواند.) (بسررم غذایت را بخور.)
- ★ جملات سه قسمتی: نهاد + متمم + فعل (بچه‌ها در کلاس خندیدند.) (بچه‌ها به پلرک رفتند.)
- ★ جملات سه قسمتی: نهاد + مسند + فعل (فرهاد خوشحال بود.) (هوا سرد شد.)
- ★ جملات چهار قسمتی: نهاد + مفعول + متمم + فعل (خبرنگار روزنامه جریان حادثه را از مردم محل پرسید.)

علوی

نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم.

مفعول: کلمه‌ای است که کلری بر آن واقع شده و نشانه‌ی آن حرف (را) است که می‌تواند در جمله نباشد ولی در معنا به جمله اضافه شود.

متمم: کلمه‌ای است که تمام کننده‌ی جمله است و بعد از حرف اضافه (از - به - با - در - ...) می‌آید.

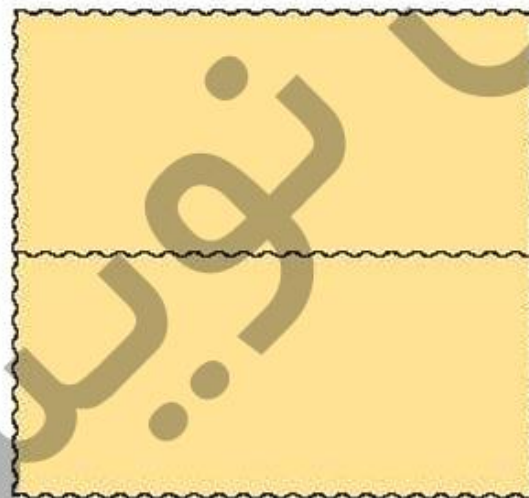
مسند: صفت یا حالتی است که آن را به نهاد نسبت می‌دهیم.

راه تشخیص نهاد، مفعول و مسند در جمله و شعر:

مسند	مفعول	نهاد	اجزای جمله
چطور + فعل؟ چگونه	چه کسی را + فعل؟ چه چیزی را	چه کسی + فعل؟ چه چیزی	سوالات تشخیصی
<u>خوشحال</u> مسند	فرهاد چگونه بود؟ <u>کتاب گلستان را</u> مفعول	چه کسی خواند؟ <u>علی</u> نهاد	مثال

یکی از راه‌های تقویت مهارت املا، دانستن و به کار بستن هم خانواده‌هاست. اگر شما کلمات هم خانواده را بشناسی، به راحتی می‌توانی املاي درست آن‌ها را بنویسی. سعی کن کلمه‌های هم خانواده را در هر درس بیابی. آن‌ها را دسته‌بندی کنی و هم خانواده‌های جدیدی به آن‌ها اضافه کنی. با توجه به درس هفدهم به سوالات پاسخ بده.

الف: کلمه‌های زیر را دسته‌بندی کن و در قسمت مربوطه بنویس.



متضاد

هم خانواده

ب: یک بند بنویس و در آن از حداقل ۴ کلمه‌ی هم خانواده استفاده کن.

Blank writing area with three horizontal dashed lines for text entry.





یکی از راه‌های تقویت مهارت املا، دانستن و به کار بستن هم خانواده‌هاست. اگر شما کلمات هم خانواده را بشناسی، به راحتی می‌توانی املاي درست آن‌ها را بنویسی. سعی کن کلمه‌های هم خانواده را در هر درس بیابی، آن‌ها را دسته‌بندی کنی و هم خانواده‌های جدیدی به آن‌ها اضافه کنی. با توجه به درس هفدهم به سوالات پاسخ بده.

الف: کلمه‌های زیر را دسته‌بندی کن و در قسمت مربوطه بنویس.

متضاد:



عاقل ≠ نادان

هشیار ≠ غافل

مسکین ≠ توانمند

قناعت ≠ اسراف

هم خانواده:



حبیب - محبت

رحمت - مراحم

احترام - محترم

ب: یک بند بنویس و در آن از حداقل ۴ کلمه‌ی هم خانواده استفاده کن.

.....

..... در مجلسی دختری به نام محترم به احترام آمدن پدرش حبیب،

..... برخاست تا لطف و محبت خود را به پدرش نشان دهد.

.....



تمرین



۱ هر کلمه را به کوتاه شده‌ی آن و یا برعکس وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)

ره‌رور

بیرون

ره

که‌ای

مورچه

گهی

زین

کای

برون

گاهی

از این

مور

راه

۲ درست‌ی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: مور، سلیمان را به مهمانی دعوت کرد.

ب: در قسمت آخر هر جمله فعل قرار می‌گیرد.

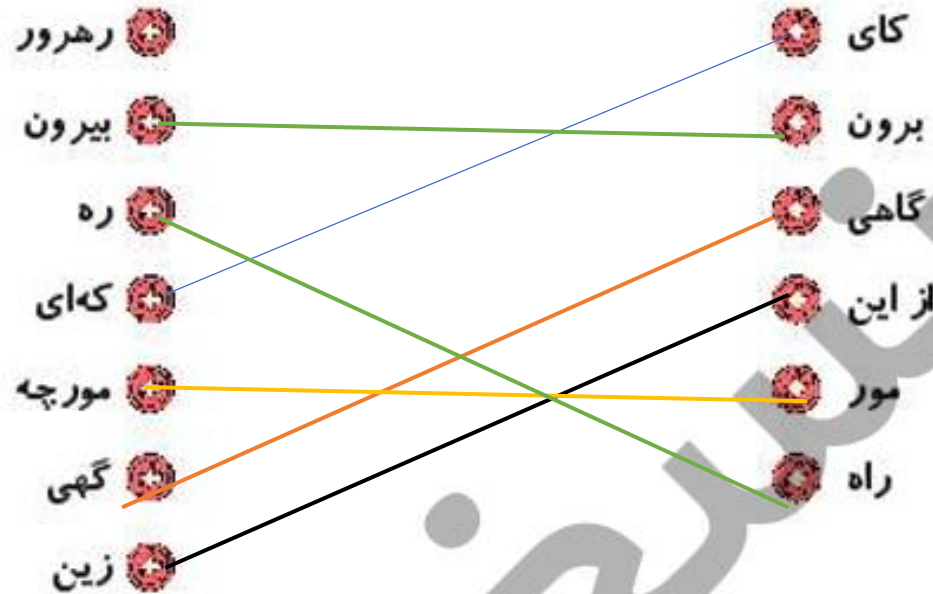
پ: «آراستن» هم معنی «پیرایه» است.

ت: مادر ابوریحان «مهرانه» و پدرش «احمد» نام داشت.

تمرین



۱ هر کلمه را به کوتاه شده‌ی آن و یا برعکس وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)



۲ درست‌ی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.



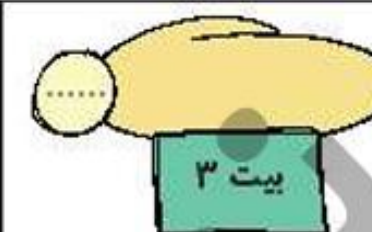




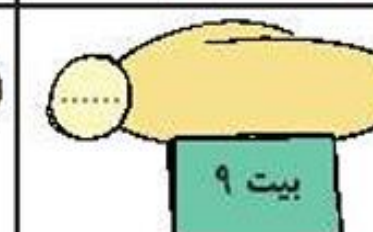
الف: مور، سلیمان را به مهمانی دعوت کرد.

ب: در قسمت آخر هر جمله فعل قرار می‌گیرد.

پ: «آراستن» هم معنی «پیرایه» است.

ت: مادر ابوریحان «مهرانه» و پدرش «احمد» نام داشت.

۲ کلمات هم آهنگ بیت‌های فرد، را از روی درس مشخص کرده و به همراه حروف مشترک در کادر بنویس. (به نمونه توجه کن)

 بیت ۸	 بیت ۵	 بیت ۳	 بیت ۱ موری، زوری، وری
 بیت ۱۵	 بیت ۱۳	 بیت ۱۱	 بیت ۹

۴ کلمات زیر را با ان، به صورت جمع در جدول بنویس.

۱					
۲					
۳					
۴					
۵					

۱. همه
۲. حسود
۳. پرنده
۴. هشیار
۵. همراه



۲ کلمات هم آهنگ بیت‌های فرد، را از روی درس مشخص کرده و به همراه حروف مشترک در کادر بنویس. (به نمونه توجه کن)

۱ ← موری، زوری، وری	۳ ← راه، گاه (اه)	۵ ← نادان، سلیمان (ان)
۷ ← رهگذرانند، گذرانند، نذراند	۹ ← گران، جان (ان)	۱۱ ← کار، انبار (ار)
۱۳ ← کامکاری، بردباری (اری)	۱۵ ← بینا، فردا (ا)	

۴ کلمات زیر را با «ان» به صورت جمع در جدول بنویس.

۱. همه
۲. حسود ← هم ← همگان
۳. پرنده ← پرنده ← پرنده‌گان
۴. هشیار ← هشیار ← هشیاران
۵. همراه ← همراه ← همراهان

۵ نمودار مربوط به هر جمله را رسم کن.

الف: پدر و مادرم، شوق آموختن را در من به وجود آوردند.

ب: راهزن تعداد سگ‌ها را از جوان پرسید.

۶ مفهوم و معنای مصراع‌های زیر را بنویس.

الف: گه تدبیر، عاقل باش و بینا

سادهنویسی:

ب: ره است اینجا و مردم رهگذارند.

سادهنویسی:

۷ تصویر زیر به کدام ضرب المثل اشاره می‌کند؟

ضرب المثل:



۵ نمودار مربوط به هر جمله را رسم کن.

الف: پدر و مادرم، شوق آموختن را در من به وجود آوردند.



ب: راهنن تعداد سکه‌ها را از جوان پرسید.



۶ مفهوم و معنای مصراع‌های زیر را بنویس.

الف: گه تدبیر، عاقل باش و بینا

ساده‌نویسی: هنگام چاره‌اندیشی بینا و دانا باش.....

ب: ره است اینجا و مردم رهگذارند.

ساده‌نویسی:! اینجا راهی است و مردم عبور می‌کند.....

۷ تصویر زیر به کدام ضرب المثل اشاره می‌کند؟

ضرب المثل:

تهی پای رفتن به از کفش تنگ



کلمه‌های هم‌آهنگ بیت‌های ۴ و ۶ و ۱۲ را بنویس، سپس آنها را در یک بند روایتی، به کار ببر.

_____	بیت ۶	_____	بیت ۱۲	_____	بیت ۴
-------	----------	-------	-----------	-------	----------

.....

.....

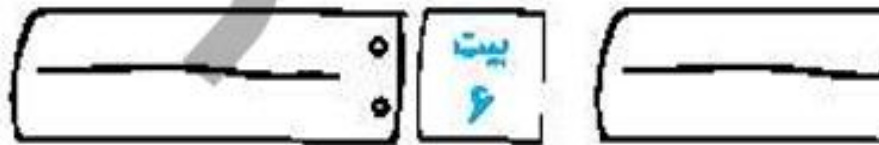
.....

.....

.....



کلمه‌های هم‌آهنگ بیت‌های ۴ و ۶ و ۱۲ را بنویس، سپس آنها را در یک بند روایتی، به کار ببر.



۴ ← پیش / خویش

۱۲ ← رنج / گنج

۶ ← یادشاهی، خواهی

بند نویسی بر عهده دانش آموز

با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: سراینده شعر «کلر و تلاش» است.

(۱) خیام نیشابوری (۲) حافظ شیرازی (۳) پروین اعتصامی (۴) جامی

ب: در «نمایش» به بررسی و بازخوانی داستان و انتخاب یکی از شخصیت‌ها، می‌گوییم.

(۱) صحنه پردازی (۲) انتخاب نقش (۳) اجرای نمایش (۴) نقد و بررسی

پ: کدام نام، مناسب جای خالی در عبارت زیر است؟

«در سال ۹ = ۴ هجری قمری،، عزم سفر به هند کرد و من (ابوریحان) نیز همراه او شدم و از این فرصت به دست

آمده، استفاده کردم و زبان مردم آن سرزمین را فرا گرفتم.»

(۱) سلطان مسعود غزنوی (۲) سلطان محمد خوارزم شاه (۳) سلطان محمود غزنوی (۴) امیر نوح سامانی

ت: مثل «تا تنور گرم است، نان را بچسبان، چه چیزی را بازگو می‌کند؟

(۱) فرصت طلبی (۲) شکیبایی (۳) احتیاط (۴) تحمّل

ث: حضرت سلیمان، مورچه را از چه می‌ترساند؟

(۱) گرسنگی (۲) غصه (۳) زیر پا ماندن (۴) سنگینی بار

ج: در کدام گزینه «ترکیب وصفی، وجود ندارد؟

(۱) ملک سلیمان (۲) بارگران (۳) جوان صادق (۴) کار ناپسند

با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: سراینده شعر «کلر و تلاش» است.

(۱) خیام نیشابوری (۲) حافظ شیرازی (۳) پروین اعتصامی (۴) جامی

ب: در «نمایش» به بررسی و بلزخوانی داستان و انتخاب یکی از شخصیت‌ها، می‌گوییم.

(۱) صحنه پردازی (۲) انتخاب نقش (۳) اجرای نمایش (۴) نقد و بررسی

پ: کدام نام، مناسب جای خالی در عبارت زیر است؟

«در سال ۹ = ۴ هجری قمری،، عزم سفر به هند کرد و من (ابوریحان) نیز همراه او شدم و از این فرصت به دست آمده، استفاده کردم و زبان مردم آن سرزمین را فرا گرفتم.»

(۱) سلطان مسعود غزنوی (۲) سلطان محمد خوارزم شاه (۳) سلطان محمود غزنوی (۴) امیر نوح سامانی

ت: مثل «تا تنور گرم است، نان را بچسبان، چه چیزی را بلزگو می‌کند؟

(۱) فرصت طلبی (۲) شکیبایی (۳) احتیاط (۴) تحمّل

ث: حضرت سلیمان، مورچه را از چه می‌ترساند؟

(۱) گرسنگی (۲) غصه (۳) زیر پا ماندن (۴) سنگینی بار

ج: در کدام گزینه «ترکیب وصفی، وجود ندارد؟

(۱) ملک سلیمان (۲) بارگران (۳) جوان صادق (۴) کار ناپسند

خوانش و پردازش



متن زیر را بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

۱۰



گنجشک پرگشود و روی باغچه نشست و کمی آن طرف تر کرم کوچکی پیدا کرد. بانوکش آن را برداشت و برای جوجه‌ی تازه از تخم درآمده برد. جوجه، جیک‌جیک کنان دهانش را باز کرد و گنجشک مادر با حوصله آن را به دهان جوجه گذاشت. بعد از چند دقیقه جوجه سعی کرد پرواز کند و گنجشک بالای سرش بال می‌زد. آخر او یک «مادر» بود.

الف: منظور از «پر گشودن، چيست؟

ب: حرف «ش، در کلمه‌ی «نوکش، به چه کسی اشاره می‌کند؟

پ: کدام ویژگی گنجشک، «مادر، بودن او را نشان می‌دهد؟

ت: شما کدام ویژگی «مادرت، را بیشتر دوست داری؟ چرا؟

الف: منظور از «پر گشودن، چیست؟

الف) پرواز کرد.

ب: حرف «ش» در کلمه‌ی «نوکش» به چه کسی اشاره می‌کند؟

ب) ضمیر او می‌باشد و به گنجشک اشاره می‌کند.

پ: کدام ویژگی گنجشک، «مادر» بودن او را نشان می‌دهد؟

پ) به دلخواه دانش آموز مانند مراقبت و محافظت کردن از جوجه‌اش - مهربانی - باحوصله بودن

ت: شما کدام ویژگی «مادرت» را بیشتر دوست داری؟ چرا؟

ت) به دلخواه دانش آموز



پروین اعتصامی

رخشنده اعتصامی (متولد ۱۲۸۵ شهر تبریز - ۱۳۲۰ شهر قم) معروف به پروین اعتصامی شاعر ایرانی است که به عنوان (پرآوازه‌ترین شاعر زن ایران) از او یاد

شده است. پروین از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی زیر نظر پدرش و استادانی چون دهخدا و ملک‌الشعراى بهار سرودن شعر را آغاز کرد.

پخوان و پشمالان



عبدالرحمن جامی

شاعر، عارف، موسیقی‌دان بزرگ قرن نهم است.

او در شهری (خرجرد جام) از توابع خراسان متولد شد و بعدها همراه پدر به سمرقند و هرات رفت و در آن دیار به کسب علم و ادب پرداخت. از جامی بیش از چهار اثر و تالیف سودمند و گران‌بها به زبان فارسی و عربی به جای مانده است. معروف‌ترین آثار او عبارتند از هفت مثنوی به نام هفت اورنگ است.